



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

شماره ۲۲۴  
۹ شهریور ۱۳۸۴  
۳۱ اوت ۲۰۰۵

# ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## خاوران" از بین بردنی نیست

جمهوری اسلامی بار دیگر به صرافت از بین بردن گورستان مشهور خاوران افتاده است. میخواهند تحت عنوان تبدیل آن به گورستان عمومی، این جایگاه تاریخی، این سند جنایتشان را دستکاری کنند و تغییر دهند. خاوران محل دفن هزاران تن از عزیزان مردم است که در زندانهای سیاسی به دست جلادان حاکم وحشیانه نابود شدند. روشن است

صفحه ۲

## خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها (۱)



محمد آسنگران

نمایش گذاشت. این سنت، روند مبارزه در کردستان را دستخوش تغییرات مهمی کرده است. اما با این وجود باید با درایت و تشخیص درست و با در نظر گرفتن تعادل قوای موجود هدایت شود. این راه صاف و هموار نیست. علاوه بر نقش سرکوب و دیکتاتوری حاکم،

صفحه ۳

جنبش اعتراضی مردم زحمتکش در شهرهای کردستان تحول مهمی در جامعه است که سنت تازه ای در ابعاد اجتماعی را در تقابل با سنت ناسیونالیستی به

## مصاحبه خالد سواری کارگر کارخانه شاهو با رادیو فردا

است از سوی بانک در تهران صادر شود. وی می گوید اگر به خواسته کارگران تا صبح پنجشنبه پاسخ داده نشود، آنها باردیگر در برابر استانداری تجمع خواهند کرد و روز

صفحه ۲

کارگران را فراخواند و از آنها خواست به تجمع خود که مانع حرکت اتوموبیل های استانداری شده است خاتمه دهند. وی می افزاید قرار شد چکی به مبلغ صد میلیون تومان که معادل دو ماه حقوق معوقه کارگران

کارگران کارخانه شاهو سندیج با اجتماع در مقابل استانداری دریافت ۹ ماه حقوق معوقه خود را خواستار شدند. خالد سواری سخنگوی کارگران در مصاحبه با رادیوفردا می گوید استاندار نمایندگان

## مردم شریف ایران!

با سلام

ما خانواده های زندانیان سیاسی اعدا شده که عزیزانمان در گورستان خاوران مدفون شده اند، اعلام می‌داریم که هیچگونه تقاضایی مبنی بر ساماندهی این مکان از هیچ مقام و دستگاه دولتی یا غیر دولتی نکرده و بدینوسیله هر نامه یا تقاضا در این زمینه را تکذیب می‌نمایم.

خانواده های زندانیان اعدام

شده سالهای ۶۰ تا ۶۷

۷/۶/۸۴

جمعی می گذرد بارها و بارها سعی کرد با صاف کردن و بهم زدن همان نشانه های کوچکی که هر مادر یا همسری بر سر گور فرضی عزیزش

صفحه ۲

گورستانهای دسته جمعی ایران، سندی از جنایات این رژیم در رابطه با مقوله ی زندانی سیاسی است. این رژیم طی ۲۴ سالی که از عمر خاوران به عنوان يك گورستان دسته

هرجنایتکاری می کوشد آثار جنایت خود را از میان بردارد. رژیم اسلامی ایران هم از این قاعده ی کلی مستثنی نیست. خاوران به عنوان یکی از

## تبلیغات و تحریکات راسیستی علیه شهروندان افغانستانی ممنوع!

مینا احدی

صفحه ۵

عبدل گلپریان

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54  
E-mail:  
mansoorfarzad@yahoo.se

## دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007  
E-mail:  
asangaran@aol.com

## تلویزیون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:  
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

## رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

## رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت  
صدای کارگر، صدای انسانیت  
به همه طول موج  
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو

هرتز

## ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر  
میشود

→ میکند. اینکه حکومت اسلامی سرمایه داران چندین بار تلاش کرده است خاوران را از صحنه پاک کند، خود گویای وحشت این حکومت از جریان زنده و گسترش یابنده انقلاب مردمی است که برای به زیر کشیدن این منفور ترین و خونخوارترین ماشین جنایت پا به میدان گذارده اند. خاوران از بین بردنی نیست. همانگونه که حکومت پینوشه با به اقبانوس انداختن زندانیان سیاسی نتوانست آثار جنایات خود را در انظار بشریت مخفی کند، همانطور که هیتلر با خاکستر کردن اجساد صدها هزار

→ جمعه به تهران خواهند رفت تا به اعتراض خود روز شنبه در مقابل دفتر ریاست جمهوری ادامه دهند. وی کارفرما را به بدهکار کردن کارخانه متهم میکند و می گوید کسی نیست که با کارفرما برخورد کند اما با کارگران به هر صورت که بخواهند برخورد می کنند.

### فرین عاصمی

کارگران کارخانه شاهی سنندج که ۹ ماه است حقوق نگرفته اند روز چهارشنبه در مقابل استانداری کردستان تجمع کردند و به وضع خود اعتراض کردند. استانداری کردستان قرار است روز پنجشنبه پاسخ روشنی در باره چگونگی پرداخت حقوق معوقه کارگران به نمایندگان آنها بدهد. خالد سواری، از کارگران کارخانه شاهی، در مصاحبه با رادیوفرزاد از تحسن روز چهارشنبه در سنندج سخن می گوید.

خالد سواری (کارگر متخصص شاهی، سنندج): امروز ما تحسن کردیم چون خبر بود که می خواهند کارخانه را واگذار کنند به یک سرمایه دار میروان ولی هنوز انجام نشده و قرار بوده صد میلیون تومان چک بکشند برای حقوق کارگران که به جایی هم نمی رسد برای این که صد

تن یهودیان و کمونیستها و رهبران کارگری نیز قادر نشد جنایاتش را لاپوشانی کند، این حکومت نیز بهیچوجه قادر به پاک کردن آثار جنایات بی حد و حصر خود نیست و نخواهد بود. میلیونها نفر از مردم ایران شاهدان زنده جنایات دهشتناک این حکومت هستند. خاوران را نیز این مردم در سینه تاریخ ثبت کرده اند و در عین حال بارها با چنگ و دندان مانع نابود کردن آن شده اند. این بار نیز همین مردم گورستان خاوران را از گزند این جلادان حفظ خواهند کرد. جمهوری اسلامی نباید تحت هیچ عنوانی به این گورستان دست

میلیون حقوق دو ماه کارگران است. بعد کارگران قانع نشدند به این مسئله و امروز ۱۴۰ نفری جلوی استانداری تجمع کردیم. نگذاشتیم حتی یک ماشینی استانداری تردد بکند.

فرین عاصمی (رادیوفرزاد): واکنش استاندار به تجمع کارگران کارخانه شاهی چی بود؟

خالد سواری: استاندار پنج نفر نماینده ما را به داخل فراخواند و با آنها صحبت کرد و گفت اگر چنانچه نگذارید ماشینها تردد کند من با کسی جلسه نمی گذارم. ولی ما قانع نشدیم و به آنها مهلت ۱۵ دقیقه دادیم که بگذارند. بعد از ۱۵ دقیقه که ام، آقای استاندار با رئیس بانک صنعت و معدن تهران، با محتشمی نیا، مدیرعامل، صحبت کردند و گفتند تاجهارشنبه آینده وضع کارخانه را روشن کنید. نماینده های کارگران به این حرف قانع نشدند و گفتند ما همین امروز پول می خواهیم برای اینکه واقعا ما گرسنه هستیم و اخیرا من خودم دو تا بچه را به مدرسه بفرستم. قرار شده یک چک صد میلیون تومانی بنویسند از تهران برای حقوق

پایه کردن طرحی را دارد که در دوران شهردار بودن او نتوانستند عملی کنند. طرح آنها این است که خاوران را به یک گورستان عمومی تبدیل کنند تا نقش کانون توجه بودن آنرا از آن بگیرند .

خاوران یک سند است و این سند پیش از همه به مادران و بستگان قربانیان خاوران و بعد به همه ی

بزند. این گورستان همانگونه که هست، همانگونه که بوده است همچون همه آثار باز مانده از تاریخ باید حفظ شود و در معرض دید نسلهای بشری قرار گیرد .

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم و همه سازمانهای انسان دوست در ایران و در سطح جهان را علیه هرگونه تغییر در گورستان خاوران به اعتراض فرا میخواند. باید جنبشی بین المللی علیه از بین بردن خاوران برآورد. انداختن. خانسواده های جانبختگان، باید در صف مقدم این اعتراض توجه جهانیان را به ابعاد جنایتی که در خاوران و

کارگران. با این کارگران قانع شدند و به خاطر احترام نماینده هاشان که بروند فردا ساعت هشت در کارخانه تجمع کنند دوباره اگر این حرف درست نبود، دوباره ساعت ۹ و نیم جلوی استانداری تجمع خواهند داشت، فردا، یعنی پنجشنبه.

ف.ع.: کارفرمای قبلی کارخانه شما کجاست الان؟

خالد سواری: توی تهران اند. بعد از ۹۴۰ میلیون تومان بدهی که بار کارخانه کردند، نشسته اند تهران و دائم می گویند دارند تحویل و تحول می کنند. کسی در این مملکت نیست که از این ها بپرسد شما چطوری ۹۴۰ میلیون تومان ضرر به این کارخانه وارد کردید که کارخانه الان نه آب دارد نه برق نه تلفن دارد و آن را به ورشکستگی کشانید؟ این ۱۴۰ نفر را آواره جلوی استانداری، جلوی کارخانه، جلوی نمی دانم مجلس شورای اسلامی کردید. توی خیابانها آواره شان کردید؟ نیروهای انتظامی با ما برخورد می کنند کسی نیست، استانداری نیست، در این مملکت ریاستی نیست که هوای ما بگیرد بیاید اینجا که ببینند چکار کردند برای کارگرها که استان ما را به هم ریختید؟ با کارفرما

انسانهای آزاده ی جهان تعلق دارد . هر گونه تغییری در آن باید زیر نظر مستقیم و توسط مادران و خانواده های قربانیان خاوران انجام گیرد . هرگونه دست درازی رژیم به خاوران تنها در جهت نابود کردن سندیت آن است .

خاوران یکی از پرچمهای ایستادگی نسلی است که سالها

گورستانهای دیگر دفن شده است جلب کنند. خاوران محل اعتراض، میعادگاه آزادیخواهان، پاتوق انقلاب میلیونی مردم علیه حاکمین خواهد بود. اعتراض یکپارچه همه ما مردم این تلاش حاکمین اسلامی را به یک رسوایی و شکست سیاسی برای آنها تبدیل خواهد کرد .

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی زنده باد برابری  
زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ شهریور ۱۳۸۴ - ۲۷ اوت  
۲۰۰۵

برخوردی نمی کنند اما با کارگر هر برخوردی خواهند می کنند.

ف.ع.: یعنی کارفرما اعلام ورشکستگی کرده؟

خالد سواری: والله همینجور گذاشته و رفته و الان توی مواد در کارخانه هست اگر کارخانه برق داشته باشد ویدی داشته باشد، ما می توانیم کار کنیم. آمده چهار درصد از حقوق من کسر کرده... این یک نمونه کوچک اش است. خودش می گوید ۷۰۰ میلیون تومان هزینه کرده. کجا هزینه کرده؟ این هشت ماه کار نکرده و منتظر هستیم فردا ببینیم چی می شود. هیچکس جواب ما را نمی دهد.

ف.ع.: اگر فردا جواب شما را ندهند دوباره این وضعیت ادامه داشته باشد، کارگرها چه تصمیمی دارند؟ چکار می خواهند بکنند؟

خالد سواری: والله خیر شده که فردا ساعت هشت ما آتجا باشیم در کارخانه که شورا که تهران هستند شب برگردند و اگر کار نکرده دوباره جلوی استانداری خواهیم بود و اگر نهایتا پنجشنبه جواب نگیریم، قرار شده غروب جمعه به تهران برویم و شنبه در تهران جلوی دفتر ریاست جمهوری برویم.

شکنجه و زندان را تحمل کرد اما تسلیم نشد و با مقاومت خود عمق کهنگی، نابهنگامی و زبونی رژیم اسلامی را به همگان نشان داد . همت کنیم این پرچم در اهتزاز بماند.

کانون خاوران  
www.khavar.com

## از صفحه ۱ خیزشهای شهری در کردستان...

اسلامی ندارد. اما سنتهای ناسیونالیستی و "پیشمرگایی" و تبلیغ آن از جانب احزاب ناسیونالیست کرد و سنتهای عقب مانده و دست و پاگیر و سازشکارانه این جنبش، یک مانع جدی در مقابل سیر تحولات رو به پیش است. اگر کمونیستها این مسئله را درست تشخیص ندهند، امکان اینکه فضای ناسیونالیستی را بر جامعه مسلط کنند غیر ممکن نیست. اما در عین حال باید هشیار بود فقط با مخالفت با ناسیونالیسم نمیشود به حاشیه ای کردن آن کمک کرد. اگر نقد ناسیونالیسم یک پای فعالیت کمونیستها است، نقش دخالتگری و هدایت درست جنبشهای شهری و بطور اخض جنبش کارگری یک پای دیگر آن است. این دو مسئله همزمان با هم باید پیش برده شوند. در غیر این صورت نقد معنای عملی پیدا نمیکند و پراتیک، بی افق و خنثی به نظر میرسد.

جامعه مورد بحث ما مثل هر جامعه دیگری در دنیا، از طبقات معینی تشکیل شده است. هر کدام از این طبقات بر اساس سنت و منافع خود از طریق احزاب منبعث از این سنتها جهت متفاوتی را میروند. این جامعه تاریخ و جنبشهای معینی در آن نقش دارند که بر حرکت کنونی و آتی آن تاثیر میگذارند. جنبشهای سیاسی و سنتهای طبقاتی مختلف در این جامعه احزاب سیاسی معینی را از خود بیرون داده است. این احزاب تلاش میکنند رنگ و افق خود را بر جنبشهای اجتماعی در جامعه بزنند. اعتراض عمومی در شهرهای کردستان با شرکت همه اقشار زحمتکش جامعه، یک واقعیت است اما در متن همین اعتراض عمومی گرایشات و احزاب سیاسی، بر اساس سنتهای مبارزاتی خود راهها و نقشه های متفاوتی را جلو جامعه قرار داده اند. جنبشهای ناسیونالیستی و کمونیستی با دو سنت و افق طبقاتی کاملاً متضاد در جامعه حضور دارند و تلاش میکنند بر این اعتراضات تاثیر بگذارند. بحث من این است که کمونیستها چه اهدافی را در این

اعتراضات دنبال میکنند. متر و معیارشان چیست. از کجا به کجا میروند و بالاخره ما کمونیستها، جامعه را با دخالتگری خودمان به چه سمتی باید ببریم. جواب این سوالات یک دست نیست. از هر فعال سیاسی یا حزب دخیل سوال شود جواب متفاوتی خواهد داد. برای روشن شدن این مسئله لازم است متد برخورد کمونیستها به جنبشهای اجتماعی و احزاب را کمی بشکافیم.

جنبشهای اجتماعی در جامعه مورد بحث، نمیتوانند خارج از چهارچوب داده های موجود و افقهای شناخته شده خود فراتر روند. نرمها و سنتهای سیاسی در جامعه با نمایندگی شدن از جانب احزاب سیاسی موجود در شکل دادن به این جنبشها و افق آنها نقش اصلی را بازی میکنند. طبقات مختلف از طریق احزاب خود در جامعه سنتهای مبارزاتی معینی را تولید و بازتولید میکنند و کرده اند. تحول اجتماعی و طبقاتی چند دهه اخیر در کردستان و وجود طبقه کارگر با گرایش قوی رادیکال و سوسیالیستی، یکی از آن مولفه های اصلی و پایدار است که احزاب سیاسی با اتکا و یا در تقابل با آن تلاش میکنند که جایگاه خود را در جامعه تعریف و باز تعریف کنند.

ما بارها گفته ایم که جامعه کردستان یک جامعه سرمایه داری، شهری، و امروزی است. بنابراین جامعه در پایه ای ترین سطح تمام مسایل موجود خود را بر محور تضاد کار و سرمایه پیش میبرد. مسایل متعدد و در سطوح مختلفی برای جامعه طرح میشوند و جواب خود را از جانب گرایشات مختلف در جامعه میگیرند. اما در نهایت افق و سیاست یکی از این طبقات سیر حوادث را بطور بنیادی رقم میزند و مسلط میشود. طبقات اجتماعی در جامعه و تضاد منافع آنها نقش محوری در شکل دادن به سنتها، گرایشات و احزاب حاضر بازی میکنند. در تاریخ جوامع طبقاتی ما شاهد تحولات جدی و متعددی بوده ایم، اما بررسی و

تجربه اندوزی از این تحولات بستگی به این دارد که با چه عینکی دنیا را نگاه کنید. یا به عبارت دیگر از زاویه کدام طبقه دنیا را نگاه کنید. در کردستان هم قضیه همین است.

قانونمندی حرکت جامعه بر مبنای داده های پایدار اجتماعی و طبقاتی پیش میرود. اتفاقات اخیر در شهرهای کردستان رعد و برقی در آسمان بی ابر نبود. در چند دهه اخیر جامعه تحولاتی را از سر گذرانده است که بر متن آن یک مبارزه طبقاتی و تضادهای موجود در جامعه شکل گرفته و پیش رفته است. این اتفاقی نیست که در چند سال اخیر جنبش کارگری و گرایش رادیکال در جنبشهای اجتماعی سیر بالنده و رویه پیشی داشته است. اما این سیر بالندگی و پیشروی برگشت ناپذیر نیست. اگر جناح چپ جامعه و در رأس آن کمونیسم کارگری با همه فعالین و سازمانهایی که خود را متعلق به این جناح میدانند با دخالتگری به موقع و رادیکال در این میدان ظاهر نشوند، ممکن است که این سیر پیشروی دچار وقفه گردد. حزب کمونیست کارگری این را وظیفه خود میداند که با شناخت دقیق از این تحولات در هدایت و رهبری جنبش کارگری و کمونیستی در کردستان کل جنبشهای اجتماعی و مترقی را به سمت یک انقلاب اجتماعی و سوسیالیستی سوق دهد.

فعالین کمونیست و حزب کمونیست کارگری در کردستان باید تلاش کنند با شناخت دقیق از این پیچیدگی اوضاع، نقش تاریخی خود را ایفا کنند. در جریان اعتراضات اخیر در شهرهای کردستان، سیاست و تاکتیک حزب کمونیست کارگری منحصر به فرد بود. اما با این وجود حزب باید با قدرت و اعتماد به نفس بیشتری ظاهر شود. نفوذ و امکان تاثیرگذاری حزب در ابعاد اجتماعی قابل توجه است. به همین دلیل توقع و انتظار جامعه از حزب بالا رفته است، این انتظارات را باید جواب داد و در عین حال این توقعات را بالا برد. شناخت جامعه از اهداف احزاب و نقش آنها و سنتهایی که مانع اعتراضات رادیکال مردم است از اهمیت خاصی برخوردار است. در

هر تحولی باید مردم با حساسیت و دقت، نقش احزاب را ببینند و بشناسند. من تلاش میکنم که مختصراً از زاویه یک فعال کمونیست به این امر بپردازم.

احزاب ناسیونالیست کرد و نقش آنها  
علیرغم گسترش اعتراضات رادیکال مردم در کردستان نقش ناسیونالیسم کرد و جریانات قوم پرست کرد برای ایجاد مزاحمت و مانع تراشی در مسیر رو به پیش این اعتراضات را نباید دست کم گرفت. جریاناتی مانند حزب دمکرات کردستان ایران و پژاک، و پ'ک' و سازمان زحمتکشان علیرغم نقش مشابه همه آنها برای مانع تراشی در مقابل مبارزات رادیکال مردم، اختلافاتی با هم دارند که دامنه آن به سایت بازتاب رژیم اسلامی هم کشیده شده است. اما با این وجود در صورت لزوم اینها در کنار هم و بر سر یک میز مینشینند. اختلافات فعلی اینها بر سر نقش برتر هر کدام از آنها است. حزب دمکرات خود را محور جنبش ناسیونالیستی در کردستان میداند و رقبای خود در این جنبش را بر نمی تابند. ما شبیه این اختلافات در میان احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق را دیده ایم و اینها هم از همان قماشند. افشان یکی است، سنتشان یکی است و همگی بر آمده از جنبش ناسیونالیستی کرد هستند. بنابراین در صورت لزوم احزاب ناسیونالیست کرد در عراق هم، مستقیماً همراه اینها وارد عمل خواهند شد. روزی که ببینند جمهوری اسلامی رفتنش قطعی و نزدیک است، دوستی امروز احزاب ناسیونالیست کرد در عراق با رژیم حاکم بر ایران، به دشمنی تبدیل میشود. بنا بر این روشن است که احزاب بورژوازی مثل حزب دمکرات و جریانات شبه فاشیستی و قوم پرستی مانند پژاک و سازمان زحمتکشان، میتوانند به راحتی در کنار همدیگر و با چراغ سبز نشان دادن به آمریکا وارد میدان شوند.

پ'ک' تا سال ۲۰۰۴ تلاش میکرد که راساً خودش در کردستان ایران خلا جایگاه حزب دمکرات کردستان ایران را پر کند. رژیم اسلامی و سپاه پاسداران آنها را کمک میکردند تا این فضا ایجاد شود که ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران به پ'ک' توجه نماید. زیرا اینها دوست جمهوری اسلامی بودند. رابطه حسنه پ'ک' با رژیم اسلامی و تحریک بی مشکل اینها در شهرها، این امکان را فراهم آورده بود که بخشی از گرایش ناسیونالیستی را متوجه خود کنند. اما به دنبال توافقات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه، نتیجه این شد که به اپوزیسیون همدیگر کمک نکنند. بعد از این توافقات میانه پ'ک' با جمهوری اسلامی دچار مشکل شد و مقرها و مراکز فعالیت آنها از شهرهای مرزی در ایران برچیده شد. با این وجود همکاری و کمک جمهوری اسلامی به پ'ک' دور از چشم ترکیه به شکل مخفیانه همچنان ادامه داشت. در چنین شرایطی بود که پ'ک' نمیتوانست مثل قبل در کردستان ایران در گشت و گذار باشد.

بعد از حمله آمریکا به عراق و حاکم شدن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد در

کردستان ایران، از نزدیکیشان به دوم خردادیهای داخل رژیم کاسته شد و در مقابل دفتر آمریکا چمباتمه زده و منتظر ملاقات و چراغ سبز آنها شدند. حزب دمکرات کردستان ایران با افتخار رئیس جمهور شدن دوباره بوش را امیدی برای خود قلمداد کرد. این حزب به بوش تبریک گفت و رسماً از آمریکا خواست در ایران دخالت کند و از "نیروهای دمکرات" (بخوان حزب دمکرات) دفاع کند.

این حزب با از دست دادن قاسملو نقش متحد کننده ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران را از دست داده است. اکنون یک حزب بی تحریک و کم خاصیت برای ناسیونالیسم کرد محسوب میشود. به همین دلیل جریانات قومپرست برای اینکه به جنبش خودشان جواب بدهند ناچارند که دوز قومپرستیشان را بالا ببرند تا بتوانند این صف پراکنده و نا امید جنبش ناسیونالیستی را متحد کنند. این جریانات برای اینکه جای حزب دمکرات را پر کنند ناچارند با او به رقابت بپردازند.

پ'ک' تا سال ۲۰۰۴ تلاش میکرد که راساً خودش در کردستان ایران خلا جایگاه حزب دمکرات کردستان ایران را پر کند. رژیم اسلامی و سپاه پاسداران آنها را کمک میکردند تا این فضا ایجاد شود که ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران به پ'ک' توجه نماید. زیرا اینها دوست جمهوری اسلامی بودند. رابطه حسنه پ'ک' با رژیم اسلامی و تحریک بی مشکل اینها در شهرها، این امکان را فراهم آورده بود که بخشی از گرایش ناسیونالیستی را متوجه خود کنند. اما به دنبال توافقات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه، نتیجه این شد که به اپوزیسیون همدیگر کمک نکنند. بعد از این توافقات میانه پ'ک' با جمهوری اسلامی دچار مشکل شد و مقرها و مراکز فعالیت آنها از شهرهای مرزی در ایران برچیده شد. با این وجود همکاری و کمک جمهوری اسلامی به پ'ک' دور از چشم ترکیه به شکل مخفیانه همچنان ادامه داشت. در چنین شرایطی بود که پ'ک' نمیتوانست مثل قبل در کردستان ایران در گشت و گذار باشد.



پ'ك'ك هم برای اینکه از رژیم اسلامی امتیاز بگیرد شاخه ای از خودش را به اسم پژاک سازمان داده و به جنگ مسلحانه با رژیم اسلامی تشویق کرد. بنابراین این پژاک با ایده های قوم پرستانه و سنتهای عقب افتاده به عنوان جریانی قوم پرست و شبه فاشیستی تلاش میکنند که وارث حزب دمکرات کردستان ایران و پ'ك'ك باشد، و با فشار به جمهوری اسلامی راه همکاری رژیم با پ'ك'ك را هموار کند. این جریان ورژن کردستان ایران پ'ك'ك است. یکی از افراد پ'ك'ك در مورد تشکیل پژاک چنین نوشته است: "حزب حیات آزاد کردستان (PJAK) خود نیز همچون شاخه سازماندهی شده مبارزات و فعالیت‌های شرق کردستان (منظور کردستان ایران است) و ایران در داخل کنگره خلق - که بنابر روند تغییر و تحول شرایط سیاسی - اجتماعی کردها در سطح خاورمیانه همچون محصول PKK و KADEK در پاییز ۲۰۰۳ تاسیس شد. و در نوروز ۲۰۰۴ در نتیجه برگزاری کنگره‌ای اعلام موجودیت کرد".

تمام هدف پ'ك'ك از ساختن پژاک اینست که از طریق این سازمان بتواند با فشار به رژیم اسلامی شرایط را برای کمک حکومت اسلامی بخود فراهم کرده و تنگنای فعلی خود را تخفیف دهد. زیرا پ'ك'ك به دنبال اخراج رهبریش از دمشق، اوجلان ناچار شد به اروپا بیاید و از اروپا به کنیا فرستاده شد و از آنجا هم او را تحویل ترکیه دادند. به دنبال این اتفاقات اوجلان از

زندان دستور خلع سلاح نیروهای پ'ك'ك را صادر کرد. به دنبال این اتفاقات بحران در رهبری این جریان بالا گرفت. به دلیل اختلافاتشان با احزاب کرد در کردستان عراق به ایران آمدند. جمهوری اسلامی به اینها کمک کرد. اما بعداً و به دنبال توافقات ایران و ترکیه مقرات و مراکز تجمع شان باز هم به کوههای میان ترکیه، عراق و ایران منتقل شد. در چنین شرایطی پ'ك'ك در سال ۲۰۰۳ به دنبال انشعاب بخشی از کادرهای رهبریش و ترور تعدادی از آنها تحت فشار بیشتری قرار گرفت. ناچاراً برای برون رفت از این اوضاع تعدادی از افراد خود را در سال ۲۰۰۴ به اسم پژاک و ورژن کردستان ایران خود سازمان داد و اعلام موجودیت کردند و فعالیت نظامی چریکی را علیه رژیم اسلامی در پیش گرفتند. اینها خودشان را آپوسم یعنی پیروان اوجلان خطاب میکنند.

پ'ك'ك علیرغم مناسبات دوستی قبلی با رژیم اسلامی و روابط مشکوکش با بخشی از فرماندهان سپاه پاسداران اکنون و به دنبال توافقات حکومت ایران و ترکیه در تنگنای شدیدی قرار گرفته است. اینها سالها در رضائیه و مناطق مرزی در داخل خاک ایران مقر و مراکز تدارکاتی داشتند، اکنون در نتیجه توافقات رژیم اسلامی و دولت ترکیه عملاً اچمز شده و زمینگیر شده اند. تعدادی از آنها انشعاب کرده و خود اوجلان هم در زندان از همان اول افتضاح ببار آورد و دلسردی و چند دستگی را در میان این جریان دامن زد. بحران جدی و همه جانبه پ'ك'ك که در این چند سال اخیر کل موجودیت آنها را

زیر سوال برده است غیر قابل حل است. تنها امید اینها به سازش با ترکیه و همزمان جلب کمکهای ایران به خود است. در چند ماه گذشته بخشی از جمهوری اسلامی و مشخصاً سایت بازتاب که زیر نظر محسن رضایی فرمانده قبلی سپاه پاسداران و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام فعالیت میکنند، آگاهانه پژاک را علم کرده اند. زیرا میخواهند به جناح مقابل خود بفهمانند باید به پ'ك'ك نزدیک شوند در غیر این صورت پژاک عملیات نظامی میکند..."

البته این سیاست سایت بازتاب از آنجا ناشی میشود که اولاً مبارزات مردم را به این جماعت بی ریشه ربط بدهد، نه به خواستهای انسانی و مترقی مردم و نقش جریانات چپ و کمونیست، ثانیاً ربط دادن مبارزات مردم به پژاک مسلح، زمینه را برای سرکوب حرکات اعتراضی مردم فراهم تر کرده و کشتار و زندانی کردن تظاهرکنندگان و یا اعدامهای بعدی و قتل در زیر شکنجه و خشونت رژیم را به نوعی توجیه میکند. بنا بر این حکومت اسلامی با توجیحات بیشتری به نظامی کردن کردستان و اعدام و شکنجه و ترور مردم میپردازد. در عین حال جمهوری اسلامی میدانند که هر آن بخواهد با پ'ك'ك و پژاک به توافق میرسد. به این ترتیب از نظر خودشان دارند این سناریو را پیش میبرند که کل ناراضیان از رژیم اسلامی را چشم انتظار پژاک کنند. زیرا هر وقت بخواهند با امتیاز کوچکی به پ'ك'ك و اجازه میدان مانور دادن به آنها، پ'ك'ك پژاک را محدود و یا حتی منحل اعلام میکند.

نتیجه این سیاست رژیم اسلامی قرار است در میان مردم ایجاد ناامیدی بکند. اما با این وجود بخش میلیتانت و عقب افتاده ناسیونالیسم کرد از سر استیصال، با توجه به بی نقشی حزب دمکرات کردستان ایران، چشم امید به پژاک بسته است. پژاک و آن بخش از ناسیونالیسم کرد که به این پروژه دست ساز امید بسته است طولی نخواهد کشید که نا امید و سرخورده میشوند. زیرا گرایش قومپرستی که به پژاک و سازمانی مثل سازمان زحمتکشان دل بسته است بی پایه و بی آینده است. هر اتفاق و سازش و مذاکره ای میان دولت‌های ایران و ترکیه با قطبهای اصلی ناسیونالیسم کرد میتواند سرنوشت اینها را رقم بزند. این سازمانهای قوم پرست رأساً جریانات جدیدی نیستند. نتایج مناسبات دولتها و احزابی مثل حزب دمکرات بارزانی و اتحادیه میهنی جلال طالبانی و حزب دمکرات کردستان ایران سرنوشت این گروههای قوم پرست را هم رقم میزند. هر آن پ'ك'ك به این نتیجه برسد که پژاک را تعطیل کند در عرض چند روز آنرا تعطیل و حتی میتواند منحل اعلام کند. بنا بر این چنین جریانی رأساً خودش کاره ای نیست. کنترلش دست کسان دیگری است. پژاک یک جریان دست ساز است. برای اهداف خاصی این سازمان را سرهم بندی کرده اند.

همینجا لازم است تاکید کنم که نگرانی و اختلاف حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان با پژاک از اینجا ناشی میشود که پژاک با معامله و مذاکره با جمهوری اسلامی جای

آنها را پر کند و در نتیجه به طرف مذاکره با آمریکا هم تبدیل شود. عمق نگرانی حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان از پژاک از اینجا ناشی میشود.

اما حزب دمکرات با تمام سرگردانی و بی تحرکیش هنوز جریان قابل اتکاتری برای ناسیونالیسم کرد به حساب می آید. نهایتاً جامعه حول سیاستهای ناسیونالیستی با نقش اصلی حزب دمکرات و چپ و کمونیسم به رهبری حزب کمونیست کارگری ایران قطبی میشود. جریان دست ساز پژاک نمیتواند به یک جریان جدی در جامعه تبدیل شود. اما مشکل اصلی ناسیونالیسم کرد بی افقی و بیربط بودنش به زندگی مردم در جامعه است. علاوه بر این علت اصلی تنگنایی که ناسیونالیسم کرد دچارش شده است رشد رادیکالیسم و کمونیسم در جامعه است. چپ جامعه به عنوان جریانی بالنده در چند سال گذشته، در راس مبارزات مردم بوده است. ناسیونالیسم کرد در چنین فضایی سرگردان و بیربط به مطالبات مردم تناقضاتش عیان تر میشود. همه این دستجات ناسیونالیستی کرد قدرتگیری احزاب کرد در کردستان عراق را الگوی خود قرار داده اند، اما در عین حال متوجه این واقعیت سرسخت هم هستند که در کردستان ایران میدان خالی نیست. چپ و کمونیسم و در راس آن حزب کمونیست کارگری این خواب و خیال را نقش بر آب میکنند. اما این مصافی است که برای تعیین سرنوشت آن ما جدالهای جدی تری را هنوز پیش رو داریم.

ادامه دارد

## کارگران شاهو با استاندار کردستان مذاکره کردند

قرار است فردا فیشهای حقوقی خود را دریافت کنند

احضار و اذیت و آزار فعالین کارگری همچنان ادامه دارد امروز ۹ شهریور چهارشنبه ساعت ۹ نیم صبح زمانی که کارگران شاهو در مقابل کارخانه تجمع کرده بودند، همه منتظر جواب از طرف مدیریت کارخانه بودند. مدیریت کارخانه و مسولین دولتی قبلاً اعلام کرده بودند امروز نتایج مذاکرات صاحبان کارخانه با شرکت آتیه و مقامات دولتی اعلام

می گردد. قرار بود یکی از نتایج این مذاکرات جواب به مطالبه کارگران باشد. کارگران شاهو بین ۵ تا ۱۰ ماه است که دستمزد و مزایای قانونی خود را نگرفته اند و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و مزایای کار خود هستند.

از طرف مدیریت کارخانه امروز صبح به کارگران اعلام می شود که نتایج این مذاکرات مثبت نبوده

است. کارگران بشدت عصابی شده و شدیداً به مسئولین و کارفرما اعتراض میکنند. کارگران بلا فاصله تشکیل مجمع عمومی میدهند و تصمیم میگیرند به طرف استانداری حرکت کنند. بعد از تصمیم گیری به طرف استانداری حرکت و در مقابل استانداری تجمع می کنند.

کارگران خیابان اصلی جلو استانداری را مسدود می

کنند. نیروهای انتظامی سریع وارد محل شده و تلاش می کنند تجمع کارگران را پراکنده کنند اما با مقاومت کارگران روبرو میشوند و چند مورد درگیری میان کارگران و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی ایجاد شد. از طرف استاندار نمایندی به میان کارگران می رود و می گوید ما حاضریم با تعدادی از شما مذاکره کنیم و اسامی ۶ نفر از

کارگران به این ترتیب را اعلام می کند: رمضان حبیبی، جمال علوی زاده، اقبال حسینی، جمال انصاری، صابر زارعی و علی نیلی. کارگران از این انتخاب که نه از طرف کارگران بلکه استاندار صورت گرفته بود اعتراض کردند و خواهان این شدند که نمایندگانی از طرف خود کارگران هم در مذاکره شرکت کنند. استانداری این خواست را قبول نکرد. اما چون این کارگران هم مورد اعتماد بودند کارگران به مذاکره آنها با استاندار و رضایت دادند.





مینا احدی

## تبلیغات و تحریکات راسیستی علیه شهروندان افغانستانی ممنوع!

این بار تجاوز چند مرد افغانستانی به یک دختر ایرانی، زمینه ساز حملات راسیستی غیر قابل تصویری به افغانستانیهای مقیم ایران شده است، که باید با عکس العمل فوری همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و مخالف راسیسم مواجه شود.

پخش خبر زندانی بودن یک دختر ۱۷ ساله به دست یک باند جنایتکار، موجی از اعتراض و خشم را در ایران برانگیخته است. اگر اعلام نمیشد که تجاوز کنندگان متولد کدام کشور هستند، این رفتار غیر انسانی و جنایتکارانه، نیز در میان انبوهی از اخبار تجاوز و قتل و آتش زدن و خفه کردن زنان و دختران که با تاسف فراوان به وفور و روزانه اتفاق می افتد، گم میشد.

این واقعه ای دردناک است و ما ضمن ابراز همدردی با دختر جوانی که این کابوس را تجربه کرده و اسیر دست یک باند ضد انسان بوده، در عین حال معتقدیم این واقعه نباید باروت حملات توهین آمیز به

شهروندان ایرانی متولد افغانستان و یا فراری از افغانستان گردد.

در روزنامه ها و رادیو و تلویزیون حکومت به راحتی نه فقط ملیت این افراد یعنی افغانی بودن را مطرح میکنند، بلکه به تبلیغات و تحریکات فوق العاده شدید بر علیه همه "افغانیها" دامن زده و فرمان قتل افغانیها، فرمان باز پس فرستادن فوری آنها به افغانستان و فرمان، نابودی دسته جمعی آنها را میدهند.

بدنبال این فضا سازی، مقامات حکومتی یکی پس از دیگری از بازپس فرستادن افغانستانیها به کشورشان و سرعت بخشیدن به آن حرف میزنند.

یکی از نمونه های شنیع تبلیغات راسیستی را بطور مثال در روزنامه اعتماد روز سه شنبه ۳۰ اوت میتوان دید که اگر نویسنده آن، بطور مثال در آلمان این مطلب را می نوشت، حتما دو روز بعد باید در دادگاه حاضر میشد و به جرم تبلیغ بر علیه هزاران نفر شهروند، بجرم

تبلیغات راسیستی و تحریکاتی که میتواند منجر به قتل این افراد شود، محاکمه میشد و باید پاسخگوی این نوشته سراپا توهین و لجن پراکنی میشد.

این البته اولین بار نیست که صفی از حکومتیها، و ناسیونالیستهای دو آتشه و عاشق آب و خاک و میهن به رجزخوانی و توهین رسمی و علنی بر علیه میلیونها نفر افغانستانی دست میزنند و جای تاسف فراوان است که در مقابل این رفتار توهین آمیز و سیاستهای ضد انسانی و ضد پناهندگی جمهوری اسلامی ایران، کمتر سازمانی و یا نهاد مترقی است که علنا اعتراض کرده و به این فضای هیستریک و ضد انسانی اعتراض کند. امروز با تجاوز دسته جمعی و رفتار وحشیانه یک باند آدم ربا علیه یک دختر جوان، این فضا بیش از پیش تحریک شده و حکومت جنایت اسلامی از این فضا سازی نهایت استفاده را میکند.

ولی درست در همین اوضاع باید

در جلوی صف ایستاد و به همه کسانی که تحریک شده اند، به همه کسانی که این اوارد را تکرار میکنند که "مشکل مردم ایران از افغانیها است" و "همه افغانیها دزد و قاتلند" و "باید همه را بیرون ریخت"، با صدای بلند و با قدرت تمام اعلام کرد که تمام کنید این بساط توهین و اعمال فشار را جمع کنید.

کسی در این دنیا حق ندارد و نباید حق داشته باشد، عدلت وقوع جرایم را به ملیت افراد ربط دهد. جرم از طرف افراد اتفاق افتاده و باید به آن رسیدگی کرد. هیچ جرمی تاوان دسته جمعی ندارد و اگر چنین بود همه مردم ایران را باید از آن خاک بیرون میکردند چرا که روزانه جرایم متعدد از سوی "ایرانیان" بر علیه ایرانیان اتفاق می افتد.

نویسنده مقاله علیه افغانستانیها در روزنامه اعتماد چنان با بیرحمی حرف میزند که "اگر این جنایات بر علیه افغانیها بود ما که خوشحال هم میشدیم، ولی این جرم بر علیه یک ایرانی است و آنهم یک دختر که ناموس ما ایرانیهای باغیرت است" پس باید چنین و چنان کرد... که واقعا در پشت این مطلب و در پس کلمات قیافه ای را می بینید که دست کله تاسهای راسیست اروپایی را از پشت بسته است.

"افغانیها را باید بیرون ریخت، حکومت به اندازه کافی قاطع نیست و درخواست از حکومت ایران که تندتر و بیرحم تر باشد" فراخوان این

کر دسته جمعی است که گوش فلک را کر کرده است.

هیچ سازمانی که خود را مدافع حقوق انسانی میدانند، نباید در مقابل این رجز خوانیهای شبه فاشیستی و ضد انسانی ساکت بنشینند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، ضمن ابراز خشم و اعتراض شدید به این موج ضد افغانی و راسیستی بر علیه پناهندگان افغانستانی، اعلام میکند که همانگونه که در سوئد و آلمان و اروپا، قتل و جنایت و یا جرایم انجام شده از سوی ایرانیان را نباید وسیله ای برای تبلیغات و باز پس فرستادن پناهجویانی کرد که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند، این بار نیز نباید اجازه داد جنایت و یا رفتار ضد انسانی چند نفر بر علیه یک دختر جوان و عقب مانده ذهنی، باعث حملات راسیستی و توهین بر علیه پناهجویان افغانستانی شود.

در مقابل این موج راسیستی ضد افغانستانیهای شهروند ایران باید متحدانه و محکم ایستاد.

مینا احدی دبیر همبستگی

- فدراسیون سراسری

پناهندگان ایرانی

۳۰ اوت ۲۰۰۵

تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

Minaahadi@aol.com

است. کارگران بیشتر از پیش عصبانی می شوند و خیابان را دورباره مسدود می کنند نیروهای انتظامی از اینکه تعدادی از خانواده های کارگری و مردم به تجمع کارگران پیوسته بودند بیشتر نگران شده بود. برای جلوگیری از گسترش این تجمع محوطه را محاصره کردند و مانع پیوستن مردم به تجمع شدند. نیروی انتظامی تهدید می کند

که آنها را به زور متفرق خواهند کرد. کارگران می گویند متفرق نکن می توانی شلیک کنی و بخشی این برای شما و دولتتان راحت تر است.

سرهنگی که ابتدا کارگران را تهدید کرده بود، می گوید به ما دستور داده اند بروید تو پیاده رو، اگر این کار را انجام دهید ما هم شما را حمایت می کنیم ولی شما

رازانی بادی به غب غب انداخته و با تحکم ظاهرا صحبت می کرد یکی از کارگران سری تکان می دهد و لیخندی تمسخر آمیز بر لب میگوید: ما از این قول و قرارها بارها شنیده ایم. رازانی ظاهرا بهش بر می خورد و به کارگران می گوید به آنها گفتم و تا چهارشنبه آینده تکلیف کارخانه روشن خواهد شد.

کارگران ناراضی از استانداری بیرون می آیند. و به تجمع جلو استانداری چنین گزارش میدهند:

آقای استاندار زنگ زد اما کاری از دستش بر نمی آید ولی شرکت اتیه قول داده تکلیف کارخانه را تا چهارشنبه آینده روشن کند. اما همه ما میدانیم که این قول و قرارها بارها از طرف صاحبان کار و مقامات دولتی زیر پا گذاشته شده

میکردند. حسین نعمتی خالد سواری هادی احمدی اسمائیل کاظمی و تعدادی دیگر از کارگران یکی بعد از دیگری، با صدای بلند سخنرانی می کردند و از نقض حقوق کارگران میگفتند.

مذاکره بین کارگران و استانداری شروع می شود. رازانی برای اینکه به هیئت مذاکره کننده حسن نیت خود را نشان دهد تلفن را بر می دارد و با شرکت اتیه در تهران صحبت می کند. او به صاحب شرکت اتیه میگوید شما تکلیف این کارخانه را باید سریع روشن کنید من دیگر تحمل ندارم. از طرف شرکت اتیه ظاهری صاحب تازه کارخانه حرف میزند و میگوید: ما تا چهارشنبه آینده تکلیف این کارخانه را روشن خواهیم کرد. در حالی که

باید آنها به قید و شرطهای که می گویم ارزش بگذارند، تا با آنها مذاکره کنیم. در همین حال یکی دیگر از کارگران اعلام می کند شکم زن و بچه آقای رازانی و جمشیدی معاون ایشان و امثالهم که خالی نیست. ما را وادار کرده اند که خیابان را ببندیم، ما هم دوست نداریم این اتفاق بیفتد و اینجا باشیم.

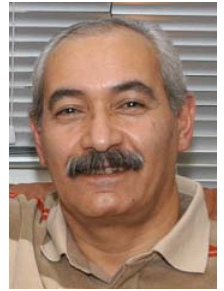
حقمان را بدهند ما هم اینجا نمی آیم. کارگران اعلام کردند آقای رضانی فقط به خاطر احترام به شما که کارگر هستید ما ۱۵ دقیقه راه را باز خواهیم گذاشت تا شما مذاکراتتان را شروع کنید ما حرف آخر را می خواهیم بشنویم.

در این تجمع که کارگران پلاکاردهای متعددی در دست داشتند به سخنرانی همکاران و نمایندگان خود گوش

### مذاکره کارگران شاهو با ...

هیئت مذاکره کنند دولت و کارفرما اسد الله رازانی، ریس بانک صنایع و معادن استان و از طرف مدیریت کارخانه محتشمی نیا معرفی شدند. هنگام ورود هیئت مذاکره کننده کارگران به داخل ساختمان، رازانی استاندار کردستان اعلام می کند که تا خیابانها را باز نکنید ما با شما مذاکره نخواهیم کرد. رمضان حبیبی به میان کارگران می آید و تقاضا می کند که کارگران خیابان را باز کنند تا بتوانند وارد مذاکره شوند.

یکی از کارگران با عصبانیت تمام اعلام می کند خیابان باز نخواهد شد ما که خواهان مذاکره نشدیم ما آمدیم حقمان را بگیریم اگر می خواند با ما مذاکره کنند،



عبدل گلپریان

در ماهها و هفته های اخیر و بدنبال او جگرگیری جنبش انقلابی مردم علیه رژیم اسلامی در کردستان، جریانات ناسیونالیسم کرد برای اینکه از قافله رقابت با یکدیگر عقب نمانند، از کمین گاه هایشان بیرون خزیدند. در میان اینها باندی به نام (پژاک) به صحنه این رقابت پرتاب شده است. این جریان یا گروه هنوز برای کسی شناخته شده نیست. بعضی خبرها حاکی از آن است که پژاک نیروئی از پس ماندن های (پ ک) است و اخبار دیگری از این حکایت دارد که (پژاک) از نیروهای دست ساز رژیم جمهوری اسلامی است. حزب دمکرات کردستان و باند زحمتکشان، پژاک را مشکوک و وابسته به رژیم اسلامی می دانند. پژاک نیز متقابلاً این دو جریان را وابسته به رژیم جمهوری اسلامی میدانند و آنان را مورد انتقاد قرار می دهد که به فراخوانش دال بر تشکیل یک جبهه متحد پاسخ نداده اند و غیره. اینکه پژاک چیست و از کی و از کجا سر بر آورده است، موضوع جداگانه ای است که در فرصتی دیگر باید بدان پرداخت اما

## تنگنا های ناسیونالیسم کرد

به تولا افتادند تا بتوانند کپی طالبانی و بارزانی را با امید بستن به آمریکا از خود به نمایش بگذارند. رسوائی این جریان در آتش بیاری معرکه و تلاش برای براه اندازی جنگهای قومی، امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست.

و اخیراً پدیده نوظهوری بنام (پژاک) و در صحنه رقابتهای احزاب ناسیونالیسم کرد خود آزمائی می کند. هویت این جریان و ضرورت وجودی آن هرچه باشد کوچکترین ربطی به مطالبات و افق مبارزاتی مردم کردستان در سرنگونی رژیم اسلامی ندارد. موضوعیت این جریانات و مجادلات اخیر آنان دقیقاً به خاطر رشد و نفوذ گسترده چپ در جامعه کردستان است. تحرک جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم کردستان که در راستای مبارزات و انقلاب در حال تکوین مردم سراسر ایران است، بی ربطی و تقلاهای اخیر آنان را به نمایش می گذارد. دست بالا پیدا کردن قدرت چپ جامعه و نفوذ حزب ما، آینده این احزاب و گروه های ناسیونالیست را همچون رژیم اسلامی دچار هراس کرده است.

از سالها قبل حضور گسترده جنبش کارگری در کردستان که تصویر عمومی و واقعی این جامعه است، در اول مه ها و خواست برابری

آنچه که می تواند عامل ظهور این گروه و مجادلات جریانات دیگر ناسیونالیسم در این رابطه باشد، موضوعی است که باید بدان پرداخت.

نگاهی به واقعیات موجود در کردستان می تواند جایگاه و موضوعیت این جریانات را مشخص سازد. در مقطع قیام بهمن ۵۷ در کردستان و بعد از آن، حزب دمکرات در موقعیتی حتی ۵۰ درصدی در مقایسه با چپ آن دوره در جامعه کردستان برخوردار نبود. تقابل سیاسی و نظامی که این جریان با کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) به وجود آورد نقش و نفوذ این حزب را در میان مردم بیش از اندازه به حاشیه راند. سیاست این حزب بر سیکل جنگ - مذاکره - جنگ و برای سهیم شدن در قدرت و بدست آوردن امتیازاتی در سایه این رژیم استوار بود و بعد از شکست در جنگ با کومه له حتی قادر به اتکا به موقعیت و نفوذ اجتماعی خود نبود و در همین راستا و با متوسل شدن به این سیاست بود که چند تن از رهبران خود را به مسلخ گاه رژیم روانه کرد.

دسته جات و باندهای دیگری از قماش باند زحمتکشان و بنا به حضور نظامی آمریکا در منطقه،

زن و مرد در مراسم های روز جهانی زن در اکثر شهر های کردستان، برگزاری فستیوال کودکان که مطالبات آن خود را با استانداردهای امروز غرب می سنجد و خیزش انقلابی ماه گذشته سراسری مردم کردستان با پرچم سرنگونی رژیم اسلامی و خواست آزادی و برابری و در يك کلام اعتراض و اعتصابات هر روزه کارگری و مدرنیزم جوانان، هیچگونه سختی با ناسیونالیسم کرد ندارد. سیمای واقعی جامعه کردستان دارای ظرفیتهای و پتانسیل چپ، سکولاریسم آزادیخواهی و خواست و مطالبات طبقاتی است. تمام این تصویر بطور کامل در ضدیدت با افق احزاب و گرایشات ناسیونالیستی قرار دارد. دقیقاً از این زاویه است که ناسیونالیسم کرد خود را در تنگنا میبیند.

در پرتو این تصویر است که ناسیونالیسم کرد بویژه در قامت احزاب چه قدیمی آن و چه در نوع امید بستن به نظامیان آمریکائی در منطقه و در قالب دست ساز اخیر آن، همگی و از بالا از قدرت تخریبی يك جامعه تشنه مدرنیزم و چپ برخوردار هستند و آنان را به عکس العمل واداشته است و در يك کلام امروز دیگر قابلیت این ناسیونالیسم فقط در برهم زدن شیرازه يك جامعه قابل تعریف است.

ما و کارگران و مردم آزادیخواه کردستان همگام و همراه با کارگران و مردم سراسر ایران، نخواهیم گذاشت رویای های قومی و تخریب کننده این احزاب و باند و دسته جات خلی در روند مبارزه و انقلاب مردم

ایجاد نماید. ناسیونالیسم تاریخی رسالتی جز تنشهای قومی، ملی و نژادی را از خود نشان نداده است. اتفاقاتی که در یوگسلاوی و آلبانی و غیره بوقوع پیوست میتواند تجارب ارزنده ای برای جلوگیری و مهار ناسیونالیسم کرد در کردستان باشد. با این تفاوت که در مناطقی که ناسیونالیسم بحران آفرین بوده، چپ دست بالا را نداشته است اما در کردستان این وزنه اجتماعی چپ است که قادر است این نوع تقلها را سر جای خود بنشاند.

کارگران و مردم آزادیخواه و مترقی کردستان باید با هوشیاری کامل از بی ربطی این جریانات به خواست و مطالبات خود عمیقاً و بیش از این آگاه باشند. باید همچنان با اتکا به خواست و مطالبات چپ و رادیکال خود و گسترش آن در سطح وسیعی، همگام با مبارزات سراسری مردم در ایران، سیاستها و ترفندهای جریانات ناسیونالیستی که با شعار مردم فریب داعیه "حقوق خلق کرد" خود را تغذیه می کنند، از بروز تنشهای قومی و غیره جلوگیری و آن را در نقطه خفه سازند. سیمای جنبش انقلابی و چپ جامعه کردستان، رشد و گسترش آن توسط مردم و کارگران در پیوستگی با مطالبات آزادیخواهانه مردم و کارگران سراسر کشور و حضور حزب کمونیست کارگری در هدایت و رهبری این جنبش انرا تضمین خواهد کرد.

۱۲ آگوست ۲۰۰۵

هر نوع مشکل و اتفاقی که برای کارگران شاهی پیش بیاید مسولیت آن به عهده رژیم اسلامی است.

**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران**

۹ شهریور ۸۴ - ۳۱ اوت ۲۰۰۵

[asangaran@aol.com](mailto:asangaran@aol.com)  
00491633458007

اطلاعات رژیم اسلامی به منزلت خالد سواری تلفن زده و او را تهدید می کنند. این در حالی است که به دنبال بازداشت موقت اسمائیل کاظمی در دو هفته گذشته باز هم به او زنک زده اند و اطلاعات سپاه رسماً او را تهدید کرده است.

اذیت و آزار فعالین کارگری همچنان ادامه دارد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این اقدامات ضد کارگری رژیم اسلامی، اعلام میکند

نشان می کنیم اگر فردا حقوق ما داده نشود دوباره تجمع خواهیم کرد. لازم به ذکر است در این دو هفته اخیر فعالین کارگری و نمایندگان کارگران بارها توسط اطلاعات دستگیر و به کرات تلفنی تهدید شده اند. دیروز هادی احمدی یکی از نمایندگان کارگران از ساعت ۵ عصر دستگیر شده و تا ساعت ۷ مورد بازجویی و اذیت و آزار قرار گرفته است. در چند شب گذشته از جمله دیشب ساعت ۱ بامداد

می کردند. اعتراض همچنان ادامه داشت تا اینکه رازانی اعلام میکند چکهای شما را داده اند امضا می کنند. شما می توانید صبح زود ساعت ۸ در کارخانه تحویل بگیرید. بعد از اعلام این خبر از آنها تقاضا می کنند که امروز به تجمع خود پایان دهند و فردا چکهای حقوقیشان را دریافت کنند. کارگران اعلام می کند ما اینها را باور نداریم و ما به شما خاطر

### مذاکره کارگران شاهی با ...

نباید خیابان را مسدود کنید. کارگران جواب نمی دهند این بار تعدادی دیگر از کارگران صحبت می کند و اعلام می کنند ما از اینجا تکان نمیخوریم. مردم با شعاع ۲۰۰ متری مشتتهای خود را گره کرده و ابراز حمایتشان را به کارگران نشان میدادند. ولی نیروهای انتظامی کماکان از پیوستن مردم جلوگیری